

## کسی که رزم رستم و سهراب را شنیدنی کرد

درباره لوریس چکناواریان، موسیقی دان شهیر، هم زمان با زادروزش

لوریس از هفت سالگی معلم ویلن داشت و به صورت جدی فعالیت موسیقایی اش را آغاز کرد. به گواه مادرش، او آن قدر در موسیقی مستعد و توانمند ظاهر شده بود که نزد هر معلمی می رفت، از عهده آموزشش بر نمی آمد تا اینکه در کودکی روانسه هنرستان



### خالق «شب قبل از عاشورا»

لوریس چکناواریان خالق قطعه «شب قبل از عاشورا» است. او این اثر را براساس شعر «امشبى را شه دین در حرمش مهمان است / صبح فردا بدنش زیر سم اسبان است / مکن ای صبح طلوع، ساخته است. این قطعه را ارکستر سمفونیک البرز و گروه کر فیلارمونیک ایران به رهبری چکناواریان اجرا کرده است. او در مصاحبه‌ای گفته است: «حسامه عاشورا یک تراژدی واقعی محسوب می شود که درک تمام عیار آن سنگین است و تنها کسانی که از بینش بزرگی برخوردار هستند، می توانند وقایع روز عاشورا را درک کنند».



زهره زاردگانلو

موسیقی تهران شد. او در چهارده سالگی ارکستر کلوپ ارمانه آرارات و در شانزده سالگی ارکستر سمفونیک تهران را رهبری و قطعاتی از بتهوون، باخ و خاچاتوریان را اجرا کرد. همین منجر شد تا به اتریش برود و تا سال ۱۳۴۰ در آکادمی موسیقی این کشور در رشته آهنگ سازی و رهبری ارکستر تحصیل و پس از آن با بازگشت به ایران چند صبا حى صداخانه ملی هنرهای زیبای کشور را مدیریت کند.

او بعد از آن به آمریکا رفت و در دانشگاه میشیگان به ادامه تحصیل پرداخت و در نهایت سال ۱۳۴۹ به ایران برگشت و علاوه بر فعالیت در رادیو و تلویزیون، چندین کنسرت نیز در تالار رودکی روی صحنه برد. البته او پس از انقلاب اسلامی به ارمنستان رفت و دوباره دهه ۷۰ به ایران بازگشت و به عنوان رهبر مهمان، اجراهای فراوانی را با ارکستر سمفونیک تهران داشت. دوره رهبری او بر این ارکستر از جمله دوره های پرفرورغ ارکستر سمفونیک تهران به شمار می رود. چکناواریان همان زمان با هنرمندانی از جمله شهرام ناظری و عبدالحسین مختاباد همکاری می کرد.

### موسیقی دان نقاشی که شعر می نویسد

چکناواریان که سال ۱۳۸۱ دارای نشان درجه یک هنر شد، علاوه بر موسیقی، نویسندگی و نقاشی نیز می داند. او نویسنده ده ها داستان کوتاه و سراینده اشعار بسیاری است. او اسفند ۱۳۹۵ کتاب طنزی با عنوان «خرستان» را که شامل مجموعه ای از داستان های کوتاه طنز است، توسط نشر صدای معاصر منتشر کرد. همچنین، او همان سال نمایشگاه نقاشی هایش را با عنوان «موسیقی روی بوم» در نگارخانه استاد ممیز خانه هنرمندان ایران رونمایی کرد.

رفته شان را می دیده اند. زنده جان! به جان عزیزانمان قسم که ما مردمان خراسان کم ندیده ایم و کم نکشیده ایم از آنچه بلا می خوانند، طبیعی و انسانی آن هم دیگر برایمان فرقی نمی کند. باشندگان هرات، این دومین شهر بزرگ افغانستان، دیگر چگونه بخوابند از این همه لرزش پیاپی بسترهایشان؟! زنده جان! امان بده، امان بده این همه جان زنده را. امان بده به آن ها که تازه دسته دسته عزیزانشان را به جرمی ناکرده دفن کرده اند. اینجا هرات است، تاریخ تکانش داده است، تو دیگر نلرزش. این سرزمین، روزگاری «دل خراسان» لقب داشت، اینجا را هجوم مغول



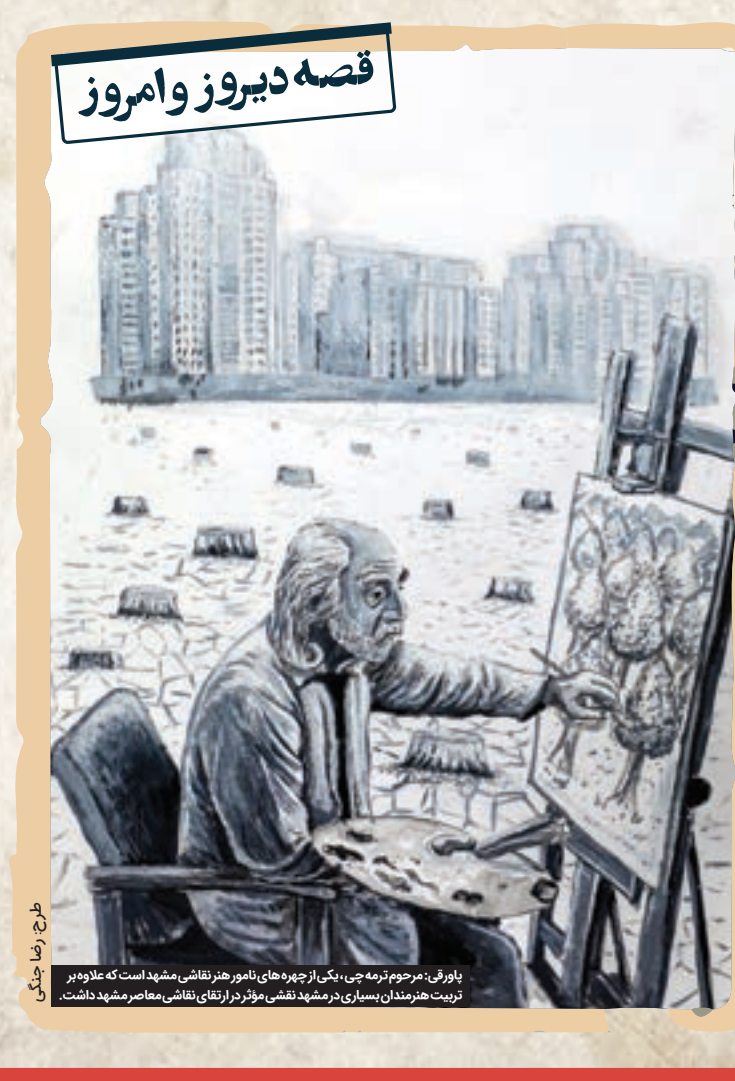
هانی زاردگانلو

داشتند زنده زنده جان می دادند از این غم سنگین رفتن خویش و قومشان. زنده جان باز هم لرزید، اما این بار همه مادر خواب بودیم و معلوم نیست پی آن چیزی که از زلزله مهیب قبلی مانده بود، چند نفر خوابیده بودند و داشتند خواب تازه در گذشتگان شان را می دیدند که باز همان نیمه هم بر سرشان خراب شد. معلوم نیست چند مادر هراتی فرزندان شان را قرض و محکم در آغوش گرفته بودند تا ترس زلزله های قبلی از یادشان برود دوباره با همان کودک در آغوش، با پای لرزان روی زمین لغزان دویدند تا مبادا ترس فرزندان به مرگ منتهی شود. مشخص نیست چند پدر، مادر، برادر و خواهر خواب خانواده

صبح چهارشنبه که خیلی هایمان خواب بودیم، زمین خراسان دوباره غرید. منابع زلزله نگاری منبع زلزله را باز هم شمال هرات و زنده جان نوشتند. زنده جان هرات دوباره لرزید و لرزاند جان و دل ما را. وقتی در مشهد از هیبت این زمین لرزه بیدار شدم و صدای رفتن همسایه ها و روشن شدن خودروهایشان را می شنیدم، به هرات فکرمی کردم، به سرزمینی که روزگاری نگین خراسان بود و خوش خرامیده بود بر دامن هریود.

ما این روزها کم از سختی ها و مرگ ومیر زلزله زدگان هرات ندیده و نشنیده بودیم که باز دلمان و قهرمان و سرخط اخبارمان رفت سمت زنده جانی که تا همین چند روز پیش مردمانی که از زلزله های مکررش زنده مانده بودند،

## جای آدم‌هایی که نیستند سبز است؛ جای درخت‌ها چی؟



پاورقی: ترجمه می‌چى، یکی از چهره‌های نامور هنر نقاشی مشهد است که علاوه بر تربیت هنرمندان بسیاری در مشهد نقش مؤثر در زلفای نقاشی معاصر مشهد داشت.

#### آزاده چشمه سنگی

چندبار شیب تند این تپه رو با رنگ و بوم و قلم بالا آمده باشم خوبه؟ چه ساعت ها که از همه‌مه شهر پناه بردم به سکوت خنک این بلندی ها، زمانی که هم سن و سال تو بودم، همون وقتا که تازه پشت لبم سبز شده بود، مرحوم پدرم، حاجی ترمه چی، دستم رو گرفت برد تو ی کارگاه های دوخت و دوزش. برچم دوزی، ترمه بافی، سوزن دوزی و... خوب بود، اما انگار سوزن به سرانگشتانم جفت و جور نمی شد. آدمیزاد، بنده دلشه. کسب وکار، قرار دل من نبود. بوی رنگ، بوی قلم، سفیدی بوم، پای دلم رو لرزونده بود. عین حالای تو که درس و مشق و دوست و رفیق رو رها کردی اومدی پای مشق نقاشی من که درس تازه بگیري. اما من استناد ریش سفیدی نداشتم، معلم و مشق من اینجا بود. نگاه به این ریز و درشت، ساختنمای سیمانی و آهنی نکن. دهه ۴۰ که می رسیدی به ارتفاعات طر قبه و شانديز، درست همین جایی که نشستیم، تاجشم کار می کرد درخت بود و زمین سبز، پاییزش، رنگ به رنگ، زرد و نارنجی بود که می پاشید روی بوم و بهار که می شد، از و فور گیاه، عطر گل می گرفت نقاشی م، دستم که به رنگ نمی رفت، شغرم می گرفت. شعری اگه نبود، خطمی نوشت با قلم نی و مرکب، هرکسی به کار می مو سفید می کنه جوون. ۸۲ سال عمر گرفتم از

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

صاحب امتیاز: سید مسعود طالع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

روزنامه شهرآرامی رسانند، به زودی شماره های تماس با این موسسه اعلام خواهد شد.

روزنامه فرهنگ

صاحب امتیاز: سید مسعود طالع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

روزنامه شهرآرامی رسانند، به زودی شماره های تماس با این موسسه اعلام خواهد شد.

روزنامه فرهنگ

صاحب امتیاز: سید مسعود طالع هاشمی

نشان: خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی ۱۵

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

روزنامه شهرآرامی رسانند، به زودی شماره های تماس با این موسسه اعلام خواهد شد.

دمای هوای مشهد

۷۲٪

۷° ↑ ۲۴°

صبح ۱۸

ظهر ۲۲

عصر ۱۶

شب ۱۳

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۰۵

غروب آفتاب ۱۷:۰۰

اذان مغرب ۱۷:۱۸

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۰۵

غروب آفتاب ۱۷:۰۰

اذان مغرب ۱۷:۱۸

شهید

حسین شریعتی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۳

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۵/۱۰

محل تولد: تربت حیدریه

محل شهادت: سومار

شهید

حسین شریعتی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۳

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۵/۱۰

محل تولد: تربت حیدریه

محل شهادت: سومار

شهید

حسین شریعتی

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۸/۲۳

تاریخ تولد: ۱۳۲۷/۵/۱۰

محل تولد: تربت حیدریه

محل شهادت: سومار

عکس روز

عکس روز

عکس روز

عکس روز

عکس روز

عکس روز

شوخی بی شوخی

شوخی بی شوخی

شوخی بی شوخی

شوخی بی شوخی

شوخی بی شوخی

شوخی بی شوخی

### درس وجدان و احتکار

تیک مرتبط با فعال بودن وجدان را بر داریم. با این کار، وجدانمان غیر فعال خواهد شد. سؤال چهار: اگر خواستیم وجدان ما همچنان فعال باشد ولی صدای آن را نشنویم، باید چه کار کنیم؟ پاسخ: باید وارد تنظیمات صدای وجدان شویم و آن را در حالت بی صدا قرار دهیم تا صدای وجدان ما را عذاب ندهد. همچنین باید وجدان را حتی از حالت وایبره هم خارج کرد تا مبادا وایبره وجدان، حتی یک کوچولو هم ما را تکان دهد.

سؤال پنج: یک داستان آموزنده از روش برخورد یک محتکر با وجدانش بگویید؟ پاسخ: یکی از محتکران با سابقه می گوید هر شل دوازده تایی رب را که داشتم احتکار می کردم، دوازده بار صدای وجدانم می آمد که می گفت احتکار نکن! این یعنی اینکه برای احتکار پانصد شل رب باید دوازده بار صدای وجدانم را می شنیدم. به همین دلیل همان اول کار وجدانم را روی حالت بی صدا قرار دادم و با خیال راحت احتکارم را انجام دادم. سؤال شش: ایامی دانید اگر برای مدتی به ندای وجدانتان اهمیت ندهید، چه اتفاقی می افتد؟ پاسخ: بله، می دانیم چه اتفاقی می افتد.

سؤال هفت: پس اگر می دانید، توضیح دهید که چه اتفاقی می افتد؟ پاسخ: اگر برای مدت زیادی به ندای وجدانمان اهمیت ندهیم، به تدریج سنسورهای حساس به احتکار وجدانمان از کار می افتند و در این صورت اگر چه وجدان داریم، وجدانمان به احتکار حساسیت بی مورد ندارد.

نمی دانم اسم مؤسسه محتکران شریف را شنیده اید یا نه، ولی باید خدمتان عرض کنم مؤسسه محتکران شریف یک محیط آموزشی است که محتکران برای اینکه فرزندان دل بندشان را مثل خودشان محتکر بار بیاورند، آن ها را در این مدرسه ثبت نام می کنند. امروز که از کنار یکی از شعب این مؤسسه رد می شدم، دیدم یک برکه امتحانی متعلق به یکی از کارآموزان مؤسسه روی زمین افتاده که گویا مربوط به درسی به نام «وجدان و احتکار» بوده است. با هم چند سؤال این برکه و جواب هایش را که نمی دانم پاسخ هایش به سؤالات درست است یا غلط، می خوانیم:

سؤال یک: از آنجا که یکی از موانع هر محتکری وجدان اوست، شنیدن صدای وجدان برای یک احتکار کننده چه مشکلاتی ایجاد می کند؟ پاسخ: صدای وجدان باعث می شود انسان نتواند از احتکار خود لذت ببرد. همچنین در برخی موارد ممکن است صدای وجدان به حدی بلند باشد که شخص احتکار کننده تحت تأثیر قرار بگیرد و بی خیال احتکار شود.

سؤال دو: روش دارویی برای رهایی از صدای وجدان چیست؟ پاسخ: باید به وجدانمان قرص دیازپام که یک قرص خواب آور است بدهیم تا وجدانمان تخت بخوابد و کاری به کار ما نداشته باشد.

سؤال سه: بهترین راه را برای غیر فعال کردن وجدان چیست؟ پاسخ: باید وارد تنظیمات وجدان خودمان شویم و